

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۲، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

« تجربه‌اندوزی ناهمگون در بستر موافق »
فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران غیرآکادمیک تئاتر در
شهر تهران

امین صبوری^{۱*}، قربانعلی سبکتکین‌ریزی^۲

چکیده

جامعه‌پذیری در گروه‌های حرفه‌ای یکی از انواع جامعه‌پذیری است که به فرایند یادگیری نقش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های مربوط به حرفه یا گروه اجتماعی اشاره دارد. هدف این مطالعه، کشف فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران غیرآکادمیک تئاتر در شهر تهران، به‌مثابه یک گروه حرفه‌ای است؛ کشف و شناسایی فرایندهایی که طی آن، فرد مبتدی، به عضو حرفه‌ای گروه بازیگران تئاتر تبدیل می‌شود. تحقق این هدف از طریق فهم و شناسایی «داستان بازیگر شدن» مصاحبه‌شوندگان تحت هدایت روش گراندتئوری دنبال شده است. از مجموعه مقولات بستری/شرایطی، «بستر موافق» به‌عنوان مقوله‌هسته انتزاع، و از میان مقولات فرایندی/تعاملی، مقوله «تجربه‌اندوزی ناهمگون» به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شد. از ترکیب این دو مقوله، مقوله مرکزی نهایی به دست آمد: «تجربه‌اندوزی ناهمگون در بستر موافق». این مقوله نمایان‌گر یک جامعه‌پذیری غیرمنسجم و غیرنیت‌مند است که یک حرکت اُفتان‌وخیزان تا حرفه‌ای شدن را نشان می‌دهد. عملکرد این فرایند عمدتاً از طریق یادگیری‌های پراکنده از دانش و مهارت افراد باتجربه‌تر، و مواجهه با پدیده‌های حاوی ظرفیت آموزشی است که بر سر راه بازیگران غیرآکادمیک قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری حرفه‌ای، بازیگری تجربی، بازیگری حرفه‌ای، بازیگران غیرآکادمیک

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۷

۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: saboori_86@yahoo.com

Email: soboktakin_faz@yahoo.com

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

امروزه ورود کارشناسانه و پژوهش‌مدارانه به همه حوزه‌های آموزشی، روزبه‌روز شتاب و کیفیت مضاعفی می‌یابد و ابعاد جدیدی از حقایق و دشواری‌های مسائل تربیتی را آشکار می‌کند. با وجود این، اساساً حیطه هنر و موضوعات پیرامون آن نسبت به سایر مسائل کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و به تبع آن، موضع فرایندهای آموزش و یادگیری در هنر از محورهای کشف نشده و مغفول نظام آموزشی (رسمی و غیررسمی) کشور است. از این منظر نوعی فقروتنگدستی در قلمرو پژوهش هنر، به‌ویژه در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت احساس می‌شود (کیلاشکی، ۱۳۸۹: ۶۱).

مقوله آموزش و یادگیری در جامعه‌شناسی تحت عنوان فرایند «جامعه‌پذیری» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. همه انسان‌ها ناگزیر در معرض فرایند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرند (مونی، ۲۰۰۷: ۷۵-۸۰). جامعه‌پذیری فرایندی است که در آن افراد هنجارها، دانش، زبان، عادات اجتماعی، ارزش‌ها و آداب و رسوم را می‌آموزند تا بتوانند راحت‌تر در جامعه حضور داشته باشند و فعالیت کنند (هپنر، ۲۰۱۷)، فرایندی که از یک‌طرف فرد طی آن می‌آموزد که چگونه نیازهای خود را برطرف نماید (کوئن، ۱۳۸۵: ۷۹) و از طرف دیگر جامعه با مهیاساختن اعضای جدید برای مشارکت در سازمان اجتماعی، به حیات خود ادامه می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۵۵)، چرا که جامعه‌پذیری برای بقا و تثبیت خود جامعه نیز ضروری است. افراد یک جامعه باید جامعه‌پذیر شده باشند تا بتوانند از ساختار اجتماعی آن جامعه حمایت کنند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند (کندال، ۲۰۱۲: ۱۰۶). جامعه‌پذیری حرفه‌ای نیز یکی از انواع جامعه‌پذیری است که به فرایند یادگیری نقش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های مربوط به حرفه یا گروه اجتماعی اشاره دارد (وُلف، ۲۰۰۷). مسئله پژوهش حاضر، کشف فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران غیرآکادمیک تئاتر در شهر تهران، به‌مثابه یک گروه حرفه‌ای است؛ کشف و شناسایی فرایندهایی که طی آن، فرد مبتدی به عضو حرفه‌ای گروه بازیگران (یعنی بازیگر حرفه‌ای) تئاتر تبدیل می‌شود. مقصود از «بازیگران غیرآکادمیک»، آن دسته از بازیگرانی هستند که فاقد تحصیلات دانشگاهی رسمی (در دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم) در زمینه بازیگری هستند و پس از پایان دوره متوسطه یا به تحصیل ادامه نداده‌اند و یا تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ای غیر از بازیگری دارند. همچنین منظور از «بازیگر حرفه‌ای» تئاتر در پندارِ مطلعین این حوزه عبارت است از شخصی که

حداقل بخشی از درآمد زندگی خود را از طریق فعالیت نسبتاً مستمر در تئاتر به دست می‌آورد و نیز به‌عنوان بازیگر از سوی اهالی تئاتر مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته است. اگرچه اندیشمندان اجتماعی و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت توجه ویژه‌ای به مقوله جامعه‌پذیری نشان داده‌اند، اما آنچه که مغفول مانده تلاش برای دست‌یابی به یک فهم منطبق بر واقع از «شیوه‌ها و فرایندها»ی آن در مراحل مختلف جامعه‌پذیری و در گروه‌های مختلف حرفه‌ای و اجتماعی است. گروه حرفه‌ای بازیگران تئاتر نیز از این قاعده مستثنی نیست. از همین رو این پژوهش با شناسایی فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای این گروه، به نوبه‌خود در پی پُرکردن خلأ فوق است. پژوهش حاضر از حیث موضوع، برای متولیان، هنرمندان، و علاقمندان به تئاتر، و از حیث روش، برای اجتماع علمی جامعه‌شناسی دارای اهمیت است. از یک سو، شناسایی و معرفی فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران تئاتر موجب می‌شود مسیری که بازیگران حرفه‌ای از آغاز تا موفقیت پیموده‌اند پیش روی علاقمندان و مخاطبان بازیگری و تئاتر قرار گیرد؛ یعنی فراهم کردن یک نقشه‌راه کاربردی برای خیل علاقمندان و تازه‌واردها به تئاتر. و از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند الگویی برای مطالعه و کشف فرایندهای جامعه‌پذیری سایر گروه‌های حرفه‌ای باشد. در هر دو حوزه فوق با فقدان دانش علمی اجتماعی و کاربردی مواجه‌ایم.

چارچوب مفهومی

۱. جامعه‌پذیری

پذیرفتن تعریفی نهایی و قطعی از جامعه‌پذیری، با توجه به پیچیدگی‌های این فرایند، امری دشوار به نظر می‌رسد. با این وجود در تعاریف متعددی که از این مفهوم ارائه شده است عناصر مشترکی را می‌توان یافت. مطالعات و پژوهش‌های فراوانی جامعه‌پذیری را نوعی فرایند^۱ یادگیری معرفی کرده‌اند (هاوکینز و ایونز^۲، ۱۹۹۹؛ ولف، ۲۰۰۷؛ مسراسمیت^۳، ۲۰۰۸؛

۱ فرایند به معنای گذار یا رشته‌ای از گذارهای میان یک وضعیت اجتماعی و وضعیت اجتماعی دیگر است. این مفهوم از جنس تغییر، جریان مداوم و حرکت می‌باشد (گولد و کولب، ۱۳۹۲). حرکتی که به‌طور سازمان‌یافته در بستر زمان شکل می‌گیرد (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

2 Howkins & Ewens

3 Messersmith

شینیاشیکی^۱ و دیگران، ۲۰۰۶؛ ویز و شانک^۲، ۲۰۰۲؛ ویدمن، توالی، و استین^۳، ۲۰۰۱؛ بوزیچ کیس و اشمیسر^۴، ۲۰۰۳) تا جایی که برخی آن را معادل «یادگیری اجتماعی» می‌دانند (مسرسمیت، ۲۰۰۸). به بیان دیگر جامعه‌پذیری پیامد خواسته یا ناخواسته فرایند یادگیری و تجارب حاصله از محیط است (شینیاشیکی و دیگران، ۲۰۰۶؛ نسلر^۵ و دیگران، ۲۰۰۱؛ برینکرهوف، وایت، و اُرتگا^۶، ۲۰۱۳). آنچه که در این فرایند یادگیری، به افراد منتقل می‌شود، هنجارها، ارزش‌ها، باورها، دانش، زبان، توانایی‌های عاطفی، آداب و رسوم، عادات و مهارت‌هایی است که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری هستند (برنز^۷، ۲۰۱۲؛ اسمتانا، رابینسون، و رُوت^۸، ۲۰۱۵). از نقطه‌نظر جامعه‌شناختی، اکتساب توانایی‌های مذکور، از طریق کنش متقابل با دیگران امکان‌پذیر است (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۵۸؛ رابرتسون، ۱۳۷۲). به بیان دیگر روابط بین فردی نقش کلیدی در جامعه‌پذیری ایفا می‌کنند. علاوه‌براین عناصر مشترک در تعاریف جامعه‌پذیری، سایر ویژگی‌های آن را نیز نباید از نظر دور داشت. جامعه‌پذیری حالت کاملاً نسبی دارد، زیرا تابعی از شرایط فرهنگی است (محسنی، ۱۳۸۴؛ سرپا^۹، ۲۰۱۸). همچنین فرایند جامعه‌پذیری، فرایندی پیچیده و متنوع، غیرقابل پیش‌بینی و نامعلوم، غیرارادی، غیرقابل اجتناب، دائمی و مداوم می‌باشد (دین‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۹). جامعه‌پذیری، فرایندی خطی نیست، بلکه ماهیت یکپارچه، سیال، پویا، تعاملی، تکاملی و انعطاف‌پذیر دارد (ویدمن، توالی، و استین^{۱۰}، ۲۰۰۱). از طرفی این فرایند شخصی است و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بعضی، دوره جامعه‌پذیری را سریع و برخی به کندی و با تحمل مشکلات و ناملازمات سپری می‌کنند (وُلف، ۲۰۰۷؛ مسرسمیت، ۲۰۰۸). به‌طورکلی می‌توان گفت فرایند جامعه‌پذیری بر پایه تولید و بازتولید مداوم استوار است (فررا^{۱۱} و سرپا، ۲۰۱۹).

با توجه به مباحث فوق، تعریف پیشنهادی محقق از مفهوم جامعه‌پذیری به این شرح است:

- 1 Shinyashiki
- 2 Weis & Schank
- 3 Weidman, Twale, & Stein
- 4 Bozich Keith & Schmeiser
- 5 Nesler
- 6 Brinkerhoff, White, & Ortega
- 7 Berns
- 8 Smetana, Robinson, & Rote
- 9 Serpa
- 10 Weidman, Twale, & Stein
- 11 Ferreira

«جامعه‌پذیری، فرایندی است تکاملی، انعطاف‌پذیر، غیرخطی و درعین حال شخصی، که طی آن فرد از طریق کنش متقابل با دیگران الگوهای فکر و عمل و احساس (ارزش‌ها، باورها، هنجارها، دانش، زبان، توانایی‌های عاطفی و مهارت‌ها) را فرامی‌گیرد و آمادگی‌های لازم جهت مشارکت در سازمان اجتماعی را کسب می‌کند.»

۲. مکانیسم‌های جامعه‌پذیری

جامعه برای انتقال ارزش‌ها، هنجارها و باورهای خود به افراد از دو مکانیسم اساسی استفاده می‌کند که به‌طور متوالی صورت می‌پذیرند. گاهی این انتقال به‌طور سطحی بوده و صرفاً در مرحله «یادگیری» توقف می‌کند که عبارت است از اخذ بازتاب‌ها، عادات، طرز رفتار و غیره که در آرگانیزم انسانی و روان‌شخص جای می‌گیرد و رفتار او را راهنمایی می‌کند (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸). «درونی‌کردن» که مکانیسم دوم می‌باشد، افراد را برای مشارکت فعال و مفید در جامعه آماده می‌سازد (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸). توسط این مکانیسم، ارزش‌ها و هنجارها تثبیت می‌شوند، به‌طوری‌که اگر عقیده‌ای را بپذیریم، بعد از اینکه جزء نظام خود ما درآمد (یعنی درونی شد)، اولاً از منبع خود مستقل می‌شود و در مقابل تغییر به سختی مقاومت می‌کند، و ثانیاً پاداشی درونی دارد (ارونسون، ۱۳۸۶: ۶۲).

۳. مراحل جامعه‌پذیری

هاوکینز و ایونز به نقل از برگر و لاکمن جامعه‌پذیری را به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند که اولی در دوران کودکی و دومی در جریان اجتماعی‌شدن در یک جامعه بزرگ‌تر رخ می‌دهد (هاوکینز و ایونز، ۱۹۹۹). به بیان دیگر، هنگامی که یک نوزاد در یک جامعه متولد می‌شود و رفته‌رفته باورها و ارزش‌های آن جامعه را می‌آموزد و ذهنیت مشترک با آن جامعه پیدا می‌کند، از جامعه‌پذیری اولیه سخن می‌گوییم. این نوع جامعه‌پذیری گستره وسیعی دارد، به این معنی که از بدو تولد تا مرگ در حال تکمیل شدن است (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸). جامعه‌پذیری ثانویه از جنس جامعه‌پذیری اولیه نیست، اما در امتداد آن صورت می‌گیرد. مرحله دوم جامعه‌پذیری مربوط به زمان ورود کودک در نظام آموزشی رسمی است (مور، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰). در این مرحله شخص برای اینکه عضوی از یک گروه یا جامعه باشد، به دنبال کسب تخصص و آموزش شغل و تحصیل می‌رود. مثل: آهنگری، پزشکی و... (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸).

۴. جامعه‌پذیری ثانویه مدخل جامعه‌پذیری حرفه‌ای

جامعه‌پذیری در حرفه بخش قابل توجهی از جامعه‌پذیری ثانویه را شکل می‌دهد (پیچ^۱، ۲۰۰۴)، اگر چه برخی از صاحب‌نظران آن را فرایندی جداگانه و تحت عنوان جامعه‌پذیری ثالثیه معرفی می‌نمایند (هاوکینز و ایونز، ۱۹۹۹). آن‌طور که برگر و لاکمن نیز اشاره می‌کنند، جامعه‌پذیری حرفه‌ای یکی از اساسی‌ترین صورت‌های جامعه‌پذیری ثانویه است (کوش، ۱۳۸۱: ۸۳).

۵. جامعه‌پذیری حرفه‌ای

جامعه‌پذیری حرفه‌ای را می‌توان فرایندی دانست که طی آن افراد نقش‌ها، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، مهارت‌ها، دانش و علایق اختصاصی مربوط به حرفه یا گروه اجتماعی جدید را کسب می‌کنند و برای اجرای نقش‌های تخصصی (حرفه‌ای) خود مهیا می‌شوند (ولف، ۲۰۰۷؛ پرایس^۲، ۲۰۰۹؛ ماریت^۳، ۲۰۱۶). در این مرحله، ارزش‌ها و استانداردهای فرد شکل ملموس‌تری به خود می‌گیرند و با ورود به محیط کاری و حرفه‌ای دستخوش تحول می‌شوند تا منعکس‌کننده ارزش‌های آن حرفه باشند (دین‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴). در واقع محتوای این فرایند بر این اصل بنا شده است که بر اساس تقاضای اجتماع حرفه‌ای، اعضایش بتوانند و بخواهند به‌طور مؤثری در فعالیت‌های حرفه‌ای مشارکت داشته باشند (سایگوشف، ودنیوا، و ملکووا^۴، ۲۰۲۰). واگمن^۵ و همکاران به نقل از کوهن، این فرایند را یادگیری زبان و فن‌آوری حرفه، درونی‌کردن هنجارها و ارزش‌های حرفه و تلفیق نقش حرفه‌ای در هویت فردی و دیگر نقش‌های زندگی توصیف می‌نمایند (واگمن و لوهرر^۶، ۲۰۰۰). در منابع متعددی نیز این مفهوم به‌مثابه فرایند درونی‌کردن و تکامل هویت حرفه‌ای تعریف شده است (تردول^۷، ۱۹۹۶؛ تشندورف و نمشیک^۸، ۲۰۰۱؛ چیتی و بلک^۹، ۲۰۰۵؛ شینیاشیکی و دیگران، ۲۰۰۶؛ یانگ، استونکل، و باول‌برینکلی^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ مرادی و دیگران، ۲۰۱۷؛ آرنولد و باگز^{۱۱}، ۲۰۱۹).

1 Page

2 Price

3 Mariet

4 Saigushev, Vedeneeva, & Melekhova

5 Waugaman

6 Lohrer

7 Tradewell

8 Teschendorf & Nemshick

9. Chitty & Black

10. Young, Stuenkel, & Bawel-Brinkley

11. Arnold & Boggs

در نهایت باید در نظر داشت که جامعه‌پذیری حرفه‌ای «پیامد خواسته و ناخواسته» عملکرد برنامه‌های آموزشی و فرایندهای محیط کار است که هم به صورت هدفمند و هم غیرهدفمند به شمار می‌آید (شینیاشیکی و دیگران، ۲۰۰۶؛ مونی، ۲۰۰۷). فرد در مواجهه با اعضای درون حرفه، تجاربی کسب می‌کند که برای پذیرش وی در حرفه الزامی می‌باشد (واگمن و لوه‌رر، ۲۰۰۰؛ ویز و شانک، ۲۰۰۲).

روش تحقیق

ویژگی‌های موضوع و هدف تحقیق، تعیین‌کننده بیشترین تناسب میان روش تحقیق و پژوهش مورد نظر است. همین نکته ملاک انتخاب روش رویش نظریه^۱ در پژوهش حاضر است.

روش رویش نظریه

«رویش نظریه» یا «گراند‌تئوری»، به‌عنوان روش عملیاتی در این مطالعه، عبارت است از «یک روش پژوهش استقرائی و اکتشافی که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند» (منصوریان، ۱۳۸۵: ۲). رویش نظریه در طول تحقیق اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (منصوریان، ۱۳۸۵: ۴). در این روش، برخلاف سایر روش‌ها - که در آن‌ها محقق ابتدا فرضیه‌ای را مطرح می‌کند و بعد از مراجعه به واقعیت آن را آزمون می‌نماید - فرضیه‌ای وجود ندارد.

شیوه نمونه‌گیری

محقق برای گردآوری داده‌ها، باید این موضوع را برای خود و دیگران روشن کند که داده‌ها از کدام واقعیت به دست می‌آیند. پاسخ تفصیلی به این سؤال در این روش، «شیوه نمونه‌گیری» نامیده می‌شود. در این تحقیق ابتدا از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و سپس از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز (جانسون^۲، ۱۹۹۰) و چگونگی ربط‌دادن آن‌ها به همدیگر و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۵: ۵۴). بر همین اساس در پژوهش حاضر محقق ابتدا با افرادی تماس برقرار کرد که در

1 Grounded theory
2 Johnson

زمینه موضوع تحت بررسی دارای اطلاعات و شناخت کافی و به قول نیومن^۱ (۲۰۰۰: ۱۹۸) از مطلعین و دروازه‌بان بودند. در اینجا بر اساس تعریف بازیگر حرفه‌ای تئاتر و مؤلفه غیرتیبیک و غیرهمسان بودن نمونه‌ها، بازیگران مورد مصاحبه انتخاب شدند. سپس اولین بازیگر معین شد و داده‌های مربوط به او جمع‌آوری گردید. پس از آن با دقت در داده‌های فراهم آمده از مورد اول و تحلیل مقدماتی آن‌ها، مورد دوم آن‌طور تعیین شد که تا حد ممکن با مورد اول در موضوع بررسی تفاوت داشته باشد تا به شمول داده‌ها کمک کند. همین شیوه در بررسی داده‌های مربوط به مورد دوم و همین ملاک برای تعیین مورد سوم نیز رعایت شد. این فرایند به همین شیوه و با همین ملاک ادامه یافت تا آنجا که به «کفایت نظری و اشباع» رسیدیم، یعنی بررسی چند مورد آخر، هیچ داده‌ای متفاوت از داده‌های قبل به دست نداد.

تکنیک گردآوری داده‌ها

مصاحبه روایی: استفاده از روایت‌ها به‌عنوان داده‌هایی برای تحلیل اجتماعی، بر این استدلال روش‌شناختی استوار است که «در الگوی پرسش و پاسخ نمی‌توان به کنه تجربیات و جهان زیسته مصاحبه‌شوندگان دست پیدا کرد» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۹۲). در این تحقیق بر اساس آنچه در تکنیک مصاحبه روایی آمده است از مصاحبه‌شونده خواسته شد که سرگذشت بازیگر شدن خود را تعریف کند. مصاحبه روایی عموماً با یک وضعیت اولیه شروع می‌شود. برای این کار از «سؤال مولد روایت» استفاده می‌شود (فلیک، ۱۳۹۱). سؤال آغازین در مصاحبه‌های این تحقیق این بود که: «نخستین نشانه‌های علاقه و گرایش در بازیگری در شما چه بود؟ کی و چگونه آغاز شد؟». سپس از میان انبوه تجربه‌ها و ماجراهای موجود، آن‌دسته از روایت‌هایی که به‌شکلی منسجم به موضوع بحث مربوط می‌شدند انتخاب شد و توالی آن‌ها سامان یافت.

تحلیل داده‌ها

در روش رویش نظریه، فرایند تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی متن داده‌ها صورت می‌گیرد. «کدگذاری باز» یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها می‌باشد (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷). سپس «کدگذاری محوری» که فرایند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر

1 Neuman
2 Generative narrative Question

است انجام می‌پذیرد (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). و نهایتاً در «کدگذاری گزینشی»، از میان همه‌عناوین کلی‌تر - که در مرحله کدگذاری محوری به دست آمد - یکی به‌عنوان مقوله مرکزی شناخته و برگزیده می‌شود و رابطه سایر واقعیت‌ها با آن نیز مورد تأمل و شناسایی قرار می‌گیرد. در این پژوهش نیز بر اساس همین دستورالعمل، ابتدا هر داده جدید در ارتباط با داستان بازیگر شدن مصاحبه‌شوندگان، در قالب یک نکته کدگذاری شد. سپس از میان کدگذاری‌های اولیه، مفاهیم مشابه و همجنس از نظر معنایی در قالب کدهای محوری طبقه‌بندی شد. و در نهایت از میان مقولات محوری یک مفهوم به‌عنوان کد گزینشی استخراج / انتزاع گردید. در اینجا باید توجه داشت که برقراری همه این ارتباطات میان مقولات مختلف با یکدیگر و عناوین متمایز و نتیجه‌گیری‌های بعدی می‌تواند با استفاده از دانش قبلی صورت بگیرد یا می‌تواند نتیجه «حساسیت تئوریک» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹) شخصی محقق باشد. و حساسیت تئوریک هم توانایی محقق در غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنادادن به آنهاست (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴).

کاربست روش در عمل

بعد از مطالعات نظری و جستجو در پیشینه‌ها و تعیین روش، و مشخص شدن فضای تحقیق و پس از انجام چند مطالعه اکتشافی، وارد میدان اصلی تحقیق شدیم. جامعه آماری تحقیق، بازیگران حرفه‌ای غیرآکادمیک تئاتر در شهر تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵^۱ است. سکونت و اشتغال به تئاتر این بازیگران در شهر

تهران بوده و همان‌طور که پیش از این نیز توضیح داده شد گزینش از میان‌شان برای مصاحبه، به کمک نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. سوال اصلی و کلی ما در مصاحبه‌ها منبعث از همان سوال اصلی تحقیق بود. بدین ترتیب که از مصاحبه‌شوندگان می‌خواستیم که بگویند از بدو ورود به فضای تئاتر، به صورت گام‌به‌گام چه مراحل را طی کرده‌اند تا تبدیل به یک بازیگر تئاتر شده‌اند؟ پس از این پرسش کلی، «سوال مولد روایت» مطرح می‌شد: «نخستین نشانه‌های علاقه و گرایش در

۱ تحقیقاتی که به روش گراندتئوری انجام می‌شوند ماهیتاً زمان‌بر هستند، چرا که امکان جمع‌آوری داده‌ها به صورت یکجا وجود ندارد و محقق پس از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مورد اول حق جمع‌آوری داده از مورد دوم را دارد (و به همین ترتیب سایر موارد تا رسیدن به حد اشباع) و همین رفت و برگشت‌ها فرایند پژوهش را طولانی می‌کند.

بازیگری در شما چه بود؟ کی و چگونه آغاز شد؟» با آغاز پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، سعی بر این بود که با کاوش در پاسخ‌ها، در خصوص هر مقطع و مرحله، و چگونگی عبور از یک نقطه به نقطه دیگر، به اندازه کافی اطلاعات به دست آوریم. در این جهت سعی شد که پاسخگویان هرآنچه در فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای‌شان رخ داده، مورد توجه قرار دهند و اظهار کنند. جریان مصاحبه ضبط و سپس پیاده می‌شد. مصاحبه‌اول را چند بار مطالعه و پس از آن کار تحلیل را آغاز کردیم. سپس مصاحبه‌دوم را انجام دادیم و باز پیاده و تحلیل کردیم. هر مصاحبه‌جدید تنها زمانی انجام می‌گرفت که مصاحبه‌قبلی تحلیل شده باشد. به همین ترتیب پیش رفتیم تا در نهایت وقتی احساس کردیم درباره همه موضوعات مورد بررسی در این تحقیق، اطلاعات لازم را در اختیار داریم، و به هنگام گفتگو و بحث، احساس «وضوح کامل» می‌کنیم، به این برداشت رسیدیم که مصاحبه‌های بعدی نکته‌ی تازه‌ای به ما نمی‌آموزند و اصطلاحاً جمع‌آوری اطلاعات به «حد اشباع» رسیده است. رسیدن به این وضعیت پس از انجام ۱۴ مصاحبه صورت گرفت اما برای اطمینان بیشتر روند گردآوری داده را تا ۱۸ مصاحبه ادامه دادیم. از این میان ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان زن و ۱۴ نفر مرد بودند. در نهایت مجموعه متن مصاحبه‌ها با بازیگران غیرآکادمیکِ تئاتر جهت استخراج «مسیر طی شده»، مطالعه و کدگذاری شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش یافته‌های عمده پژوهش بر اساس منطق چگونگی رویش نظریه ارائه شده‌اند. پس از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه و هم‌جنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و دومین مرحله در جهت رویش نظریه هستند. در جدول زیر این مقولات عمده و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن‌ها (که همان کدگذاری‌های باز هستند) آورده شده است.

جدول شماره ۱: مقولات عمده فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران غیرآکادمیک

ردیف	مدل پارادایمی	مقولات عمده	مؤلفه‌ها
۱	ساختار/ بستر/ شرایط	زمینه خانوادگی	تماشای مستمر فیلم با ویدئو به همراه خانواده از کودکی - برنامه مستمر سینما رفتن با خانواده از کودکی - آشنا شدن با فضای بازیگری و تلویزیون از کودکی به واسطه عمو - سینما رفتن به همراه مادر در کودکی - تماشای نمایش‌های تعزیه از کودکی به واسطه حضور پدر و عمو در این حرفه.

«تجربه‌اندوزی ناهمگون در بستر موافق» فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین ...

ادامه جدول شماره ۱: مقولات عمده فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران غیرآکادمیک

ردیف	مدل پارادایمی	مقولات عمده	مؤلفه‌ها
۲	ساختار/ بستر / شرایط	شکل‌گیری علاقه و گرایش به بازیگری به واسطه فیلم دیدن	علاقه‌مند شدن به سینما و بازیگری به واسطه فیلم دیدن - شکل‌گیری علاقه به بازیگری به واسطه تأثیر فیلم روی حال خودم - بازیگری یکی از علائق کودکانه است - همذات‌پنداری با شخصیت‌های فیلم‌ها.
۳	فرایند/ عمل / تعامل	تجلیات گرایش به بازیگری	ادای بازیگران فیلم‌ها را درآوردن - اجرای یک ماجرا برای همسالان - بازی کردن در نمایش‌های تعزیه - تقلید از رفتارهای شخصیت‌های فیلم‌ها.
۴	فرایند/ عمل / تعامل	اجرای تئاتر در مدرسه	ورود به گروه تئاتر مدرسه - اجرای تئاتر در مراسمات مدرسه - یادگیری سر تمرین رفتن و دیسپلین تئاتری در مدرسه - اجرای تئاتر در مدرسه - شرکت در جشنواره‌های دانش‌آموزی تئاتر - تجربه بازیگری در تلویزیون در نوجوانی.
۵	فرایند/ عمل / تعامل	عدم علاقه به رشته تحصیلی دبیرستان	عدم تمایل به رشته‌های فنی - عدم انتخاب رشته تئاتر در دبیرستان به توصیه پدر - عدم تمایل به رشته تحصیلی دبیرستان (علوم تجربی) - رهاکردن دبیرستان به دلیل عدم تمایل به رشته تحصیلی.
۶	ساختار/ بستر / شرایط / فرایند/ عمل / تعامل	دسترسی و ورود به فضای تخصصی‌تر	ورود به کارگاه‌های بازیگری کانون خُر - ورود به گروه تئاتر مسجد مالک اشتر - ورود به کلاس‌های هنر آتلیه مکعب - ورود به موسسه بازیگری کارنامه - ورود به آموزشگاه سمندریان - ورود به دانشکده هنرهای زیبا به‌عنوان مستمع آزاد.
۷	فرایند/ عمل / تعامل	تمرینات مداوم و فراوان	تمرینات فراوان داشتن - شب‌وروز تمرین کردن - تمرینات تخصصی تئاتر در هنرهای زیبا - تمرینات مداوم در کانون حر - تمرین و آزمون و خطا برای رسیدن به نقش.
۸	فرایند/ عمل / تعامل	اجرای دانش‌آموزی یا دانشجویی	شرکت در جشنواره تئاتر مساجد - شرکت در جشنواره کانون‌ها - شرکت در جشنواره تئاتر دانشجویی با دانشجویان هنرهای زیبا - شرکت در کارهای کلاسی دانشجویان - شرکت در جشنواره تئاتر دانش‌آموزی
۹	فرایند/ عمل / تعامل	کارکردن با گروه‌های مختلف و کسب تجربه	آشنا شدن با تئاتری‌های اداره ارشاد و همکاری با آن‌ها - کارکردن با گروه‌های مختلف دانشجویی - حضور در گروه به‌مثابه مکانیزم یادگیری - یادگیری از تجربیات اعضای گروه‌های مختلف - کارکردن با گروه‌های تئاتری مختلف - یادگرفتن چیزهای جدید از اعضای گروه‌ها.

ادامه جدول شماره ۱: مقولات عمده‌فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران غیرآکادمیک

ردیف	مدل پارادایمی	مقولات عمده	مؤلفه‌ها
۱۰	فرایند/ عمل / تعامل	کارکردن با کارگردان‌های مختلف	یادگیری از کارگردان‌هایی که با آن‌ها کار کردم- کارکردن با کارگردان‌های مختلف- تجربه مواجه شدن با کارگردان‌های کاربلد
۱۱	فرایند/ عمل / تعامل	اجرای عمومی و تداوم آن	اولین اجرای عمومی- تداوم جریان یادگیری در اجرا- اجرای عمومی در شهر و تداوم آن- شرکت در جشنواره تئاتر فجر و اجرای عمومی- اجرا در تئاتر شهر
۱۲	پیامد/ اثر	بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن	بازیگر حرفه‌ای شدن به‌واسطه تداوم کارهای حرفه‌ای و شناخته شدن در فضای حرفه‌ای- بازیگر حرفه‌ای شدن به‌واسطه کارکردن با گروه‌های حرفه‌ای- بازیگر حرفه‌ای شدن به‌واسطه گرفتن دستمزد حرفه‌ای

همان‌طور که قبلاً نیز بحث شد، فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز می‌شود و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرایند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می‌گردد. باید دانست که این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آن‌ها را جابه‌جا یا با یکدیگر تلفیق می‌کند (استراوس و کربین، ۱۳۸۵). بر همین اساس از آن‌جا که دسته‌ای از مقولات (مقولات فرایندی) هنوز آمادگی ورود به مرحله پایانی یعنی کدگذاری گزینشی را ندارند، در این بخش سعی می‌کنیم کدگذاری محوری را برای مقولات فرایندی در سطح بالاتری از انتزاع ادامه دهیم و سپس وارد مرحله کدگذاری گزینشی شویم. همچون مرحله قبل تلاش می‌کنیم مفاهیم مشابه و هم‌جنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده‌تری طبقه بندی شوند.

جدول شماره ۲: کدگذاری محوری مرتبه دوم برای مقولات فرایندی

کدگذاری محوری مرتبه دوم	مقولات محوری فرایندی
کنش‌های غیرمتمرکز	تجلیات گرایش به بازیگری در کودکی
	اجرای تئاتر در مدرسه
	عدم علاقه به رشته تحصیلی دبیرستان
تمرین و آزمون و خطا	تمرینات مداوم و فراوان
	اجرای دانش آموزی یا دانشجویی
مکانیزم‌های یادگیری تجربی	کارکردن با گروه‌های مختلف و کسب تجربه
	کار کردن با کارگردان‌های مختلف
اجراهای عمومی	اجرای عمومی و تداوم آن

حال که مقولات محوری آمادگی ورود به گام نهایی تحلیل را یافته‌اند، سعی بر آن است که با کدگذاری گزینشی به مقوله‌مرکزی دست پیدا کنیم. هدف از این فرمول‌بندی ارائه تصویری اجمالی از ماجرا است که با عبارت‌های کوتاه و مختصر بیان می‌شود. تحلیل از سطح توصیفی فراتر می‌رود و خط داستانی را تشریح می‌کند. در واقع یک مفهوم به پدیده اصلی داستان نسبت داده می‌شود و به سایر مقوله‌ها مرتبط می‌شود (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۳۷).

جدول شماره ۳: جدول نهایی مقولات عمده و مرکزی

مقولات بستری/شرایطی	مقولات فرایندی / تعاملی	پیامد نهایی
زمینه خانوادگی	کنش‌های غیرمتمرکز	بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن
علاقه و گرایش در کودکی	تمرین و آزمون و خطا	
دسترسی به محیط تخصصی	مکانیزم‌های یادگیری تجربی	
---	اجراهای عمومی	

موفقیت حرفه‌ای

تجربه‌اندوزی ناهمگون

بستر موافق

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به جدول شماره ۳، با کنار هم قرار دادن مقولات بستری/شرایطی و مقولات فرایندی/تعاملی، و ادامه انتزاع، و همچنین با تجربه‌حاصل در طول مدت مصاحبه‌های ژرف با پاسخگویان، به این نتیجه رسیدیم که مقوله‌مرکزی نهایی عبارت است از:

«تجربه‌اندوزی ناهمگون در بستر موافق»

این مقوله پاسخ نهایی به پرسش اصلی پژوهش یعنی «فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران غیرآکادمیک تئاتر در شهر تهران» است. برای روشن‌تر شدن بحث، فرایند تحصیل پاسخ را بنا بر توصیه استراوس و کربین (۱۳۹۱) از طریق نوشتن «خط سیر داستان» مرور می‌کنیم. بازیگران غیرآکادمیک در اولین گام از مسیر طی شده، از مفاهیم و مواردی سخن می‌گفتند که تحت مقوله «زمینه‌خانوادگی» دسته‌بندی شد. مواردی همچون مأنوس‌بودن با سینما و فیلم از کودکی به واسطه علاقه پدر، فیلم دیدن از کودکی با دستگاه ویدئو به همراه خانواده، بزرگ‌شدن در

خانواده‌فرهنگی و اهل هنر، تماشای تئاتر از کودکی به همراه خانواده، بزرگ‌شدن در خانواده‌ای با گرایش به هنر تعزیه‌خوانی و نقالی، و امثالهم. اظهارات آنان در گام دوم که در ارتباط با گام قبلی شکل گرفته، حاکی از «علاقه و گرایش به بازیگری در کودکی» است. ذکر مواردی همچون: شکل‌گیری علاقه به تئاتر پس از تماشای یک نمایش، شکل‌گیری علاقه به بازیگری و سینما به‌واسطه فیلم دیدن، گرایش به هنر در کودکی، و غیره. پس از آن، ادای بازیگران را در آوردن، حفظ‌کردن نام فیلم‌ها و بازیگران، آوازخواندن و نقش‌گرفتن در تعزیه و نظایر آن، از جمله «تجلیات گرایش به بازیگری در کودکی» است. در ادامه و پس از ورود به مدرسه، اولین عرصه ظهور علاقه و گرایش به بازیگری خارج از محیط خانواده، با مقوله عمده «اجرای تئاتر در مدرسه» شکل می‌گیرد. اجرای تئاتر در دوران دبستان، شرکت در جشنواره دانش‌آموزی، اجرای تئاتر در مراسمات مدرسه، و... بیانگر همین موضوع است. در دوره دبیرستان شاهد «عدم تمایل به رشته تحصیلی» در بین این بازیگران هستیم. این مقوله گاهی ناشی از اجبار پدر و مادر به تحصیل در یک رشته خاص، و گاهی به دلیل محدودیت رشته‌های قابل تحصیل در آن دوره از زندگی پاسخگویان به وجود آمده است. اما در هر صورت از تحصیل در رشته خود در دوره دبیرستان لذتی نمی‌بردند. این پاسخگویان در همین مقطع زمانی تجربه جدیدی را از سر می‌گذرانند و آن عبارت است از: «ورود به یک فضای تئاتری تخصصی‌تر». این فضای تخصصی برای بازیگران غیرآکادمیک بر خلاف بازیگران آکادمیک، محیط دانشگاهی و آموزش عالی نیست، بلکه ورود به گروه‌های نیمه‌حرفه‌ای، کانون‌های فرهنگی و هنری، کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های بازیگری و امثال آن می‌باشد. از این پس شاهد «تمرینات مداوم و فراوان» و «اجرای دانش‌آموزی یا دانشجویی» هستیم که بیشتر شکل آزمون و خطا دارد تا یک برنامه هدفمند و منسجم. برای بازیگران غیرآکادمیک که دوره آموزشی خاصی را طی نکرده‌اند، «کارکردن با گروه‌های مختلف و کسب تجربه» یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های یادگیری برای آنان محسوب می‌شود. علاوه بر تمرین، تجربه‌اندوزی، و کارکردن با گروه‌های مختلف، «کارکردن با کارگردان‌های مختلف» و یادگیری از آنها، گام دیگری در جهت افزایش مهارت و توانایی‌های آنان است. مجموعه این تلاش‌ها و فعالیت‌ها با هدف اجرای عمومی نمایش در سالن‌های تئاتر در شهر و یا جشنواره‌های معتبر انجام می‌شود. در نهایت، چرخه مستمر تمرین و اجرا، یا به عبارت دیگر «اجرای عمومی و تداوم آن»

است که منجر به «بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن» می‌گردد. عنوانی که یا به‌واسطه دستمزد حرفه‌ای گرفتن، یا به‌واسطه تداوم کارهای حرفه‌ای، و یا به‌واسطه شناخته و تحسین شدن در بین حرفه‌ای‌ها به آنان داده شده است.

با تفکیک مقولات بستری/شرایطی از مقولات فرایندی/تعاملی در جدول شماره ۳، به روشنی می‌توان دید که: «در چه بستری، چه فرایندی، چه نتیجه‌ای را حاصل شده است؟» همان‌طور که مشاهده شد، «بستر موافق» به‌عنوان مقوله بستری/شرایطی و «تجربه‌اندوزی ناهمگون» به‌عنوان مقوله فرایندی/تعاملی استخراج شد. منظور از بستر موافق عبارت است از: اولاً یک زمینه خانوادگی و به تبع آن ایجاد علاقه و گرایش به بازیگری، ثانیاً وجود مدرسه‌ای که مقدمات تشکیل گروه‌های هنری و اجرای تئاتر را فراهم کرده است، و ثالثاً در دسترس بودن محیط‌های تخصصی‌تر (مثل کانون‌های فرهنگی و هنری، مساجد، آموزشگاه‌ها و مراکز هنری و...) و امکان ارتباط با گروه‌های تئاتری.

از میان مقولات فرایندی/تعاملی نیز پس از آن‌که در جدول شماره ۲ مجدداً کدگذاری شدند، مقوله «تجربه‌اندوزی ناهمگون» به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شد. لازم به ذکر است که مقوله هسته می‌تواند یکی از مقولات محوری باشد که بیشترین ارتباط را با خط اصلی داستان دارد؛ یا آنکه پژوهشگر مقوله‌ها را بررسی کند و به این نتیجه برسد که گرچه هر مقوله چیزی از کل قصه را بازمی‌گوید، ولی هیچ‌یک حق کل مطلب را ادا نمی‌کنند. از این رو، نیاز به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی است که بتواند تمام مقوله‌ها را دربرگیرد (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۶۸). همچنین مقوله مرکزی باید بتواند نکته اصلی موجود در داده‌ها را تبیین کند (همان). بنابراین، اگرچه تمرینات مداوم و فراوان عنصر مهمی در موفقیت حرفه‌ای این بازیگران بوده است اما به نظر می‌رسد این «آموزش ضمن کار به شیوه سنتی» که تحت عنوان «تجربه‌اندوزی ناهمگون» از آن یاد کردیم، مهم‌ترین نکته در داده‌های این گروه از بازیگران است. یادگیری مهارت‌های بازیگری در بازیگران غیرآکادمیک کاملاً غیرمنجسم و بدون یک طرح و برنامه مشخص صورت گرفته است. به‌طوری‌که برخی از پاسخگویان از اصطلاح «گیاه خودرو» برای توصیف فرایند بازیگر شدن‌شان استفاده می‌کردند. آن‌ها با هدف بازی در یک نمایش وارد یک محیط تئاتری می‌شدند و سپس از مواجهه با هر یک از کارگردان‌ها و همبازی‌هایی که سر راهشان قرار می‌گرفتند، نکته‌ای می‌آموختند و تجربه‌ای کسب می‌کردند. تجاربی که بعضاً با

یکدیگر متناقض بوده است؛ به همین جهت شاهد یک حرکت سینوسی یا افتان و خیزان در مسیر حرفه‌ای‌شان هستیم.

منابع

۱. ارونسون، الیوت. *روانشناسی اجتماعی*. تهران: رشد، ۱۳۸۶.
۲. استراوس، انسلم و جودیت کربین. *مبانی پژوهش کیفی/فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. با ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی، ۱۳۹۱.
۳. بیرو، آلن. *فرهنگ علوم اجتماعی*. با ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۴. ترنر، جان اتان اچ. *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*. با ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۵. دین محمدی، محمدرضا. رفیعی، فروغ. پیروی، حمید و مهرداد، ندا. «تحلیل مفهوم اجتماعی شدن حرفه‌ای در پرستاری: رویکرد تکاملی راجرز». *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)*، ۱۳۸۹: ۱۹.
۶. رابرتسون، یان. *درآمدی بر جامعه*. با ترجمه حسین بهروان. مشهد، ۱۳۷۲.
۷. صدیق اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری و شیوا محمدی. *مبانی جامعه‌شناسی: مفاهیم و گزاره‌های پایه*. مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۸. علی‌احمدی، علی‌رضا، و نهایی، وحیدسعید. *منتخبی از کتاب توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*. تهران: تولید دانش، ۱۳۸۷.
۹. فراهانی، حجت‌الله و عریضی، حمیدرضا. *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)*. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، ۱۳۸۴.
۱۰. فلیک، اووه. *درآمدی بر تحقیق کیفی*. با ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
۱۱. کوش، دنی. *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. با ترجمه فریدون وحیدا. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۸۱.
۱۲. کوئن، بروس. *درآمدی به جامعه‌شناسی*. با ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا، ۱۳۸۵.
۱۳. کیالاشکی، علاء‌الدین. «آموزش هنر در آیین ی پژوهش». *رشد آموزش ۸*، شماره ۲ (۱۳۸۹): ۱.
۱۴. گولد، جولیس و ویلیام ال کولب. *فرهنگ علوم اجتماعی*. تدوین توسط محمدجواد زاهدی. با ترجمه باقر پرهام. تهران: مازیار، ۱۳۹۲.
۱۵. محسنی، منوچهر. *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۸۴.

۱۶. محمدپور، احمد. بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵.
۱۷. منصوریان، یزدان. *گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟*. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
18. Arnold, EC, and KU Boggs. *Interpersonal Relationships E-Book: Professional Communication Skills for Nurses*. Elsevier Health Sciences, 2019.
19. Berns, Roberta M. *Child, Family, School, Community: Socialization and Support*. California: Nelson Education, 2012.
20. Bozich Keith, CL, and DN Schmeiser. "Activities designed to socialize students into nursing." *Nurse educator* 28, no. 2 (2003): 55-57.
21. Brinkerhoff, DB, LK White, and ST Ortega. "Essentials of sociology." Cengage Learning, 2013.
22. Chitty, kk, and B. P Black. "Professional Nursing: Concepts and challenges." St. Louis. Elsevier. Chornick, NL, & Wendt, AL (1997). NCLEX-RN: From job analysis study to examination. *Journal of Nursing Education*, 36(8), 378-382. 36, no. 8 (2005).
23. Ferreira, C. M, and S Serpa. "Socialization: A key concept in social sciences." *International E-Journal of Advances in Social Sciences* 5, no. 14 (2019): 599-605.
24. Höppner, G. "Rethinking socialization research through the lens of new materialism." *Frontiers in Sociology* 2 (2017): 13.
25. Howkins, EJ, and A Ewens. "How students experience professional socialisation." *International journal of nursing studies*, 36(1), (*Int J Nurs Stud*) 36, no. 1 (1999): 41-49.
26. Johnson, Jeffry. *Selecting Ethnographic Informants*. Vol. 22. London: SAGE Publication, Incorporated, 1990.
27. Kendall, DIANA. "Sociology in Our Times." Cengage Learning (Thomson Learning, Inc), 2012.
28. Mariet, J. "Professional socialization models in nursing." *International Journal of Nursing Education* 8, no. 3 (2016): 143-148.
29. Messersmith, A. *Becoming a nurse: The role of communication in professional socialization*. Kansas: Doctoral dissertation, University of Kansas, 2008.
30. Mooney, M. "Professional socialization: the key to survival as a newly qualified nurse." *Int J Nurs Pract*, 2007: 75-80.
31. Moradi, Y, F Mollazadeh, H Jamshidi, T Tayefeh, M. R Zaker, and F Karbasi. "Outcomes of professional socialization in nursing: A systematic review." *Journal of Pharmaceutical Sciences and Research* 9, no. 12 (2017): 2468-2472.
32. Nesler, MS, MB Hanner, V Melburg, and S McGowan. "Professional socialization of baccalaureate nursing students: can students in distance nursing programs become socialized?" *Journal of nursing education* 40, no. 7 (2001): 293-302.
33. Neuman, Lawerenc. *Social Research Approaches*. Third. London: Allyn and Bacon, 2000.
34. Page, G. Professional socialization of valuation students: what the literature says. Bangkok: in Proceedings 10th Pacific Rim Real Estate Society Conference., 2004.
35. Price, SL. "Becoming a nurse: a meta-study of early professional socialization and career choice in nursing." *Journal of advanced nursing* 65, no. 1 (2009): 11-19.
36. Saigushev, N. Y, O. A Vedeneeva, and Y Melekhova. "Socialization of Students' Personality in the Process of Polytechnic Education." In *International Scientific Conference" Far East Con* (Atlantis Press), 2020: 1414-1419.
37. Serpa, S. "A reflection on sociology of education." *International Journal of Social Science Studies* 6, no. 3 (2018): 33-39.
38. Shinyashiki, GT, IA Mendes, MA Trevizan, and RA Day. "Professional socialization: students becoming nurses." *Revista latino-americana de enfermagem (Rev Lat Am Enfermagem.)* 14, no. 4 (2006): 601-607.

39. Smetana, J. G, J Robinson, and W. M Rote. "Socialization in adolescence." In J. E. Grusec & P. D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization: Theory and research* (Guilford Press), 2015: 60-84.
40. Teschendorf, B, and M Nemshick. "Faculty roles in professional socialization." *Journal of Physical Therapy Education* 15, no. 1 (2001): 4.
41. Tradewell, G. "Rites of passage. Adaptation of nursing graduates to a hospital setting." *Journal of nursing staff development: JNSD* 12, no. 4 (1996): 183-189.
42. Waugaman, WR, and DJ Lohrer. "From nurse to nurse anesthetist: the influence of age and gender on professional socialization and career commitment of advanced practice nurses." *Journal of Professional Nursing* 16, no. 1 (2000): 47-56.
43. Weidman, JC, DJ Twale, and EL Stein. "Socialization of graduate and professional students in higher education: A perilous passage?" *ASHE ERIC Higher Education Report (CA: Jossey Bass)* 28, no. 3 (2001).
44. Weis, D, and MJ Schank. "Professional values: key to professional development." *Journal of professional nursing* 18, no. 5 (2002): 271-275.
45. Wolf, L. *A study of socialization of accelerated BSN graduates*. Doctoral dissertation, Kent State University, 2007.
46. Young, ME, DL Stuenkel, and K Bawel-Brinkley. "Strategies for easing the role transformation of graduate nurses." *Journal for Nurses in Professional Development* 24, no. 3 (2008): 105-110.